

اگر دولت نگران تورم انتظاری فزاینده در یکی، دو ماه آینده، ناشی از برخی هشدارهای بیرونی از جمله احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه است که طبعاً آثار روانی آن بیش از ابعاد حقوقی و سیاسی خواهد بود، باید با یک نگاه دقیق تر مانع ایجاد موج خودساخته تورمی در کشور شود.

تمرکز بکطر فیه بر قطع برق صنایع اقدامی کاملاً اشتباه و غیراستراتژیک است. این تصمیم که با هدف کاهش نگرانی‌های عمومی در قطع برق خانگی اتخاذ می‌شود، در کوتاه‌مدت شاید اثر گذار باشد، اما در واقعیت امر فشار بر بخش تولید در نهایت مستقیماً سفره مردم را هدف قرار می‌دهد. بر خلاف تصور رایج، تعطیلی چندروزه واحدهای تولیدی ناشی از قطعی برق تنها یک «توقف فنی» نیست؛ این وقفه‌ها اختلالی عمیق در زنجیره تولید، تأمین و توزیع ایجاد می‌کنند که در هفته‌ها و ماه‌های بعد با افزایش هزینه تمام‌شده کالاها، کمبود کالا در بازار و جهش تورمی خود را نشان خواهد داد.

■ **ضرورت توزیع ناترازی و کاهش سهم صنایع از قطعی برق** واحدهای تولیدی در شرایط فعلی زیر فشار سنگین رکود تقاضا، نرخ بالای بهره بانکی، افزایش قیمت مواد اولیه و چالش‌های صادرات هستند. در چنین شرایطی، قطع برق به معنای فلج شدن تولید و تعمیق رکود اقتصادی است. نتیجه آن:

- وارد آمدن زیان‌های مالی سنگین
-افزایش بهای تمام‌شده محصولات
-انتقال فشار نهایی به مصرف‌کننده نهایی (یعنی مردم) - تجربه صنعت خودرو از زنگ خطر برای سایر صنایع

صنعت خودروسازی کشور نمونه‌ای گویاست از آنچه در صورت فشار مضاعف به تولید رخ می‌دهد. سال‌ها اختلال در تولید، بدهی‌های بانکی انباشته و ناتوانی در ایفاي تعهدات مالی، این صنعت را به مرز بحران ساختاری رسانده است.

اکنون همین مسیر در حال تکرار شدن برای صنایع کوچک و متوسط کشور است:

- قطعی مکرر برق و اختلال در تولید
- کاهش درآمد ناشی از افت ظرفیت تولید
- ناتوانی در بازپرداخت تسهیلات بانکی
- افزایش هزینه‌های مالی به‌عنوان سربار تولید

و در نهایت، خروج از بازار صنایع کوچک و متوسط ستون فقرات اشتغال و تولید ملی اند. رهاکردن آنها در برابر فشار های بی‌درپی ناشی از مدیریت نادرست بحران انرژی، یعنی ضربه مستقیم به اقتصاد و معیشت مردم.

■ **راه حل واقعی: مدیریت مشارکتی مصرف برق** بخش خانگی و اصناف، سهم قابل توجهی در مصرف برق دارند. بخشی از این مصرف به‌ویژه در تابستان و ساعات اوج، قابل مدیریت، کاهش یا زمان‌بندی هوشمندانه است:

- با اطلاع رسانی دقیق
- تشویق به صرفه‌جویی
- اعمال محدودیت‌های برنامه‌ریزی‌شده در ساعات اوج
می‌توان بدون آسیب جدی به معیشت خانوار، فشار از روی صنعت را کاهش داد.

■ **افتاح عمومی، کلید عبور از بحران است**

مردم اگر بداندن صرفه‌جویی در مصرف برق در خانه‌هایشان به معنای ثبات قیمت کالا، حفظ اشتغال و جلوگیری از تورم است، همکاری خواهند کرد. مسیر عبور از بحران، افتاح، شفاف‌سازی و مشارکت واقعی مردم است، نه تصمیمات یکطرفه و پر هزینه برای تولید.

■ **زمان تصمیم‌گیری در ست فرار سیده است** اگر الگوی فعلی ادامه یابد، نتیجه‌آن چیزی جز بحران تولید، موج جدید تورمی و کاهش اشتغال نخواهد بود.

دولت باید همین امروز، سیاست‌های مدیریت مصرف را بازنگری کند. مشارکت واقعی مردم، نه فشار بر تولید، راه نجات کشور از بحران انرژی است. نجات تولید، نجات معیشت مردم است.

حشیر

واردات بنزین

درآمدهای نفتی رامی‌بلعد

دولت امسال حدود ۸ میلیارد دلار صرف‌وآوردات سوخت به‌ویژه بنزین و گازوئیل می‌کند. این رقم چشمگیر که معادل تقریبی درآمد امسال نفت فروش نفت کشور است، نگرانی‌هایی متعددی را در میان کارشناسان اقتصادی، نمایندگان مجلس و افکار عمومی برانگیخته‌است. بر اساس اظهارات نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، این میزان واردات نه تنها باعث زیادی بر منابع ارزی کشور وارد می‌کند، بلکه نشان‌دهنده چالشی بزرگ در زمینه مدیریت انرژی و مصرف داخلی است. وی تصریح کرد با چنین مبلغی می‌توان سالانه حدود ۴۰۰کیلومتر خط ریلی قطار سریع‌السیر با سرعت ۳۰۰ کیلومتر بر ساعت احداث کرد. این مقایسه، بیانگر فرصت‌های از دست‌رفته‌ای است که می‌توانست به توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و کاهش وابستگی به سوخت فسیلی منجر شود.

■ ■ ■

میزان واردات سوخت طی سال‌های گذشته به‌صورت تصاعدی افزایش یافته است. در سال ۱۴۰۲، واردات بنزین و گازوئیل حدود ۳ میلیارد دلار بود که در سال ۱۴۰۳ به ۵ میلیارد دلار رسید. حال در سال ۱۴۰۴ پیش‌بینی می‌شود این رقم به ۸ میلیارد دلار برسد؛ افزایشی نگران‌کننده که حکایت از روندی ناپایدار در حوزه تولید و مصرف سوخت دارد. از دیدگاه اقتصادی، چنین سطحی از واردات سوخت می‌تواند منجر به کاهش ذخایر ارزی، فشار بر تراز تجاری کشور و اختلال در برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه‌ای شود به‌ویژه در شرایطی که درآمد نفتی کشور به‌دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های صادراتی با نوسانات فراوانی مواجه است. اختصاص نیمی از آن به واردات سوخت به‌وضوح یک علامت هشداردهنده است.

کارشناسان معتقدند ریشه این بحران به چند عامل بازمی‌گردد: افزایش مصرف داخلی به‌ویژه در بخش حمل‌ونقل، عدم سرمایه‌گذاری کافی در پالایشگاه‌ها و ناتوانی در افزایش ظرفیت تولید بنزین با کیفیت استاندارد. در عین حال، نبود سیاست‌های مؤثر برای کنترل مصرف، از جمله حذف تدریجی پاره‌های غیرهدفمند و به کارگیری انرژی‌های جایگزین این مشکل را تشدید کرده است. با توجه به روند فعلی، اگر چارندانشی اساسی صورت نگیرد، پیش‌بینی می‌شود تا پایان دولت جدید، میزان واردات سوخت به بیش از ۵۰ درصد از درآمد نفتی کشور برسد؛ پدیده‌ای که می‌تواند تبعات بلندمدتی برای اقتصاد ایران داشته باشد. در چنین شرایطی، لزوم بازنگری فوری در سیاست‌های انرژی، توسعه حمل‌ونقل، افزایش ظرفیت پالایشگاه‌ها و سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک بیش از پیش احساس می‌شود. عدم توجه به این تحولات می‌تواند وابستگی ایران به واردات سوخت را به یک بحران اقتصادی و امنیتی تبدیل کند.

۱۲ جوان

۱۲ گزارش بگ

هادی اسماعیلی

گویا بی توجهی ایران خودرو به قوانین و مقررات یابانی ندارد و این شرکت به اصطلاح خصوصی هر

روز بیشتر از گذشته در مسیر نارضایتی تراشی تخته‌گاز می‌تازد. در روز هایی که مردم، اقتصاد و سرمایه‌شان را با هزار امید در مسیر رشد و ثبات می‌بینند، شرکت‌هایی که باید نمداد تولید ملی باشند، گاهی در سایه خلأهای نظارتی با طمع سود بیشتر، مرز های قانون را در می‌نوردند. ماجرای

تازه افزایش قیمت خودرو از سوی ایران خودرو، بی آنکه مهر تأیید نهادهای مسئول را بر پیشانی داشته باشد، بار دیگر موجی از نگرانی، انتقاد و بی‌اعتمادی را در جامعه برانگیخته است. این اقدام که خلاف صریح مقررات قیمت گذاری کشور از یابانی شده است، نه تنها خشم مردم و کارشناسان اقتصادی را در پی داشته، بلکه وزارت صمت را نیز به واکنش واداشته است.

■ ■ ■

در روزهای اخیر، ایران خودرو قیمت برخی محصولات خود را در سامانه کدال اعلام کرد که به‌وضوح از سقف مجاز ۱۵ درصدی افزایش قیمت عبور کرده بود. این در حالی است که مطابق مصوبات شورای رقابت و دستورالعمل وزارت صمت، خودروسازان موظفند قیمت محصولات خود را صرفاً در چارچوب سقف مجاز و پس از تأیید نهادهای مربوط اعلام کنند. ایران خودرو اما در اقدامی بی‌سابقه، بدون هماهنگی با نهادهای مسئول، اقدام به درج قیمت‌های جدید و بالاتر کرد. این عمل نه تنها تعجب کارشناسان را برانگیخت، بلکه شوک جدیدی به بازار خودرو و افکار عمومی وارد کرد.

وزارت صنت، معدن و تجارت به سرعت نسبت به این اقدام واکنش نشان داد. در نامه‌ای رسمی خطاب به سازمان بورس و اوراق بهادار، این وزار تخانه اعلام کرد افزایش قیمت از سوی ایران خودرو فاقد وجاهت قانونی است و باید به سرعت اصلاح شود. وزارت صمت در این نامه تصریح کرده که هرگونه قیمت گذاری خارج از سقف تعیین‌شده، غیرقابل قبول و موجب اختلال در نظام تنظیم بازار خواهد بود. این هشدار صریح، نشانه‌ای از نارضایتی شدید دولت از عملکرد ایران خودرو بوده عملکردی که نه تنها پشتوانه قانونی ندارد، بلکه در تعارض کامل با منافع عمومی است.

بر اساس قوانین جاری به ویژه مصوبات شورای رقابت، شرکت‌های خودروساز موظف به رعایت سقف ۱۵ درصدی در افزایش قیمت محصولات خود هستند. این سقف با هدف جلوگیری از نوسانات شدید قیمتی و حمایت از مصرف‌کننده تعیین شده است. ایران خودرو با نقض این سقف، نه تنها اعتماد عمومی را مخدوش کرده، بلکه زمینه‌ساز بی‌ثباتی در بازار خودرو و حتی بورس شده است. کارشناسان حقوقی نیز معتقدند این

۱۲ گزارش ش ۲

زینب زرین

اقتصاد

سرویس اقتصادی

۸۸۵۲۳۰۶۰

وزارت صمت خواستار بازگشت فوری قیمت گذاری ایران خودرو به سقف قانونی شد

ویراژ ایران خودرو در جاده قانون گریزی!

پس از افزایش غیرقانونی قیمت خودروها، وزارت صنعت در نامه‌ای رسمی به سازمان بورس

خواستار اصلاح فوری قیمت‌های اعلام‌شده از سوی ایران خودرو شد و آن را مغایر با قوانین قیمت گذاری دانست

درس بزرگ این ماجرا، بازنگری جدی در مفهوم خصوصی‌سازی در کشور ماست. اگر خصوصی‌سازی به معنای رهاسازی بدون نظارت و واگذاری به نهادهای غیرپاسخگو باشد، نتیجه آن نه بهره‌وری است و نه رشد اقتصادی، بلکه هرج‌ومرج و فساد ساختاری است. ایران خودرو باید به عنوان نمونه‌ای از این شکست تحلیل شود؛ شرکتی که اگرچه برچسب خصوصی دارد، اما رفتارش همچنان انحصارگرایانه و در عین حال فاقد مسئولیت‌پذیری است. این پارادوکس خطرناک، امروز پیامدهای خود را نشان می‌دهد.

بازار خودرو نیازمند آرامش، ثبات و قانونمندی است. تجربه نشان داده که هرگاه تصمیمات خارج از چارچوب قانونی اتخاذ شده، به جای سود، هزینه‌های سنگینی به همراه داشته است. اکنون زمان آن رسیده که خودروسازان، مردم و نهادهای نظارتی، همگی در مسیر شفافیت، انضباط و اعتمادسازی حرکت کنند. آینده اقتصادی کشورمان در گرو اصلاح نهادهای تولیدی و اجرایی است؛ نهادهایی که باید از مسیر واقعی خصوصی‌سازی و پاسخگویی بگذرند.

ماجرای افزایش قیمت‌های غیرقانونی از سوی ایران خودرو را باید فراتر از یک خطای مقطعی یا یک اقدام تجاری تندرانه تحلیل کرد. این اتفاق، انعکاس یک ساختار اقتصادی و مدیریتی است که طی سال‌ها از مسیر اصولی خود منحرف شده است؛ ساختاری که با عنوان «خصوصی‌سازی» معرفی شد، اما در عمل تنها به تغییر مالکیت اسمی انجامید؛ نه به رقابت واقعی، نه به شفافیت و نه به بهبود عملکرد.

ایران خودرو به عنوان یکی از بزرگ‌ترین خودروسازان کشور سال‌هاست در وضعیتی میان دولتی و خصوصی قرار گرفته که ویژگی‌های منفی هر دو را با هم دارد. این شرکت نه پاسخگوی مردم است و نه واقعاً در برابر دولت یا نهادهای ناظر شفاف عمل می‌کند. تصمیم اخیر برای افزایش قیمت‌ها بدون مجوز قانونی، تنها یک نشانه کوچک از یک بحران بزرگ‌تر است: بحران حکمرانی اقتصادی در یک صنعت انحصاری و رانتی. بازار خودرو به دلیل اهمیت در سبید هزینه خانوار، حساسی دارد. سیاستگذاری در این حوزه باید با حداکثر شفافیت، پاسخگویی و انضباط انجام گیرد اما تصمیماتی از جنس اقدام اخیر ایران خودرو، برخلاف این ضرورت‌هاست و به بی‌اعتمادی عمومی، تضعیف نهادهای تنظیم‌گر و اختلال در بازار منتهی می‌شود. خصوصی‌سازی واقعی، نیازمند زیرساخت نهادی قوی، نظارت فراگیر و حضور بخش خصوصی حرفه‌ای است تا امکانی که خودروسازان از مسیر پاسخگویی، رقابت و کارآمدی فاصله دارند، تغییر اسمی مالکیت هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد.



دارد. مسئولیت اجتماعی به معنای تعهد به شفافیت، قانونمندی و انصاف در رفتار با مردم است.

یکی از انتقادات جدی در سال‌های اخیر، نبود نظارت کافی بر عملکرد خودروسازان است. شفافیت، کلید پیشگیری از چنین تخلفاتی است. وزارت صمت و سازمان حمایت از مصرف‌کننده باید با ابزارهای قانونی، نظارتی و حتی قضایی، مانع از تکرار چنین اقداماتی شوند. اطلاع‌رسانی شفاف به مردم، برخورد علنی با متخلفان و ایجاد بستر رقابت واقعی از الزامات مدیریت این حوزه است. بی‌پاسخ ماندن تخلفات به معنای چراغ سبز برای تکرار آن‌هاست.

پس از انتشار خبر افزایش قیمت از سوی ایران خودرو، سهام این شرکت در بازار بورس با نوساناتی مواجه شد. برخی سهامداران این اقدام را به منزله افزایش سودآوری شرکت تلقی و با خوش‌بینی اقدام به خرید کردند اما پس از اخبار وزارت صمت، نگاه بازار تغییر کرد. این نوسانات نشان می‌دهد هرگونه بی‌ثباتی در سیاستگذاری قیمتی می‌تواند منجر به تصمیمات هیجانی در بازار سرمایه شود. بورس، همواره از رفتارهای غیراقتصادی و دستوری آسیب دیده و این بار نیز قربانی بی‌ثباتی شده است.

چهارم، این اقدام به تشدید نارضایتی عمومی منجر می‌شود؛ نارضایتی‌ای که به اعتماد عمومی ضربه می‌زند.

بازار خودرو، همواره آیینه تمام‌نمای اقتصاد ایران بوده است. هر تکانه در آن، پژواکی در زندگی روزمره مردم دارد. زمانی که قیمت‌های بی‌ضابطه و غیرقانونی بالا می‌رود، نه تنها توان مردم خرید کاهش می‌یابد، بلکه بی‌اعتمادی به ساختارهای نظارتی نیز افزایش پیدا می‌کند. بسیاری از مردم با امید به ثبات قیمت‌ها در طرح‌های فروش خودروسازان ثبت‌نام می‌کنند، اما چنین اقداماتی، سرمایه اجتماعی را خدشه‌دار می‌کند.

افکار عمومی امروز از خود می‌پرسد: اگر نظارت است، پس این تخلفات چرا تکرار می‌شود؟

شرکت‌هایی مانند ایران خودرو، علاوه بر وظایف اقتصادی، مسئولیت اجتماعی نیز دارند. آنها باید در چارچوب قانون عمل کنند و منافع سهامداران، مشتریان و جامعه را همزمان در نظر بگیرند. تصمیماتی که صرفاً با نگاهی به سود کوتاه‌مدت اتخاذ می‌شود، بلندمدت ممکن است به اعتبار برند و اعتماد عمومی آسیب وارد کند. ایران خودرو باید بداند در موقعیتی حساس قرار دارد و هر حرکتش پیامدهایی فراگیر

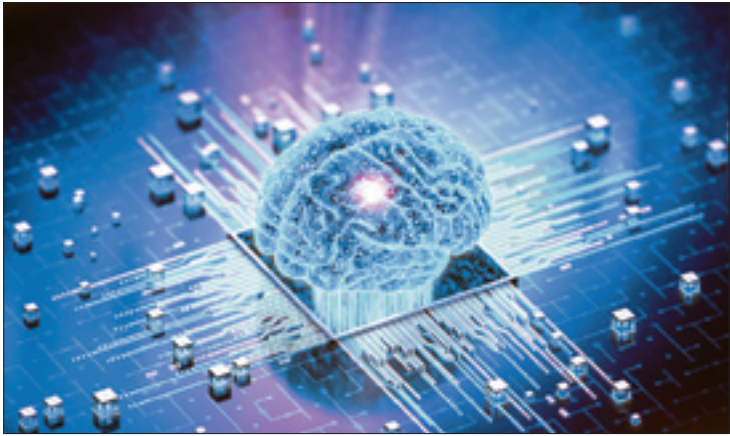
اقدام می‌تواند با پیگرد قانونی همراه باشد. مهم‌تر آنکه این بی‌قانونی، دستاوردی تلخ از آن چیزی است که روزی «خصوصی‌سازی» نامیده شد. ایران خودرو از جمله شرکت‌هایی است که در فهرست خصوصی‌سازی قرار گرفت، اما آنچه در عمل رقم خورد، نه خصوصی‌سازی واقعی، بلکه نوعی از «خصوصی‌سازی» بود؛ شرکتی که نه دولتی باقی ماند و نه به معنای واقعی خصوصی شد. نتیجه این وضعیت، مجموعه‌ای از تصمیمات مبهم، مدیریت غیرپاسخگو و فساد ساختاری است. خصوصی‌سازی ناقص و فاقد شفافیت، نه تنها موجب کارآمدی نشده، بلکه فاصله شرکت با مردم، قانون و عدالت را بیشتر کرد.

افزایش بی‌ضابطه قیمت خودرو، تأثیر مستقیمی بر بازار دارد؛ نخست، باعث افزایش قیمت کلی خودرو به بازار آزاد می‌شود، چراکه فعالان بازار این افزایش را مبنای معاملات خود قرار می‌دهند. دوم بر نرخ تورم عمومی اثرگذار است، زیرا خودرو کالایی با وزن قابل توجه در سبد هزینه‌ای خانوارهاست. سوم، بازار سرمایه را دستخوش نوسان می‌کند، زیرا ایران خودرو یک شرکت بورسی است و تغییرات قیمت محصولاتش در سودآوری شرکت و رفتار سهامداران تأثیر می‌گذارد.

هوش مصنوعی به کمک رئیس دولت می‌آید

پروژه «هوش مصنوعی رئیس‌جمهور» با هدف تسهیل تصمیم‌سازی اقتصادی در دولت کلید خورده و قرار است تا پایان سال

با تحلیل داده‌های زنده و پیشنهادهای لحظه‌ای به یاری هیئت دولت بپیاید



میان شوند. این یعنی تصمیم‌هایی که ریشه در تحلیل دارند، نه در حدس. هرچند پروژه در سطح کلان طراحی شده، اما موفقیت آن نیازمند همراهی مردم است. شفاف‌سازی درباره نحوه عملکرد این سیستم، انتشار عمومی گزارش‌های تحلیلی و نظارت مدنی بر پیامدهای تصمیم‌هایم‌تواند ضامن سلامت مسیر باشد. هوش مصنوعی در خدمت دولت، زمانی موفق است که در خدمت مردم هم باشد. البته یادمان باشد الگوریتم‌ها نیز می‌توانند اشتباه کنند مخصوصاً اگر داده‌هایی که در یافت می‌کنند ناقص، متناقض یا تحریف‌شده باشند. به همین دلیل است که نقش ناظر انسانی همچنان کلیدی است.

سیستم باید همواره تحت ارزیابی و به‌روزرسانی باشد و هیچ تصمیمی صرفاً بر مبنای پیشنهاد ماشین گرفته نشود. به هر صورت هوش مصنوعی همانند هر فناوری دیگر، ابزاری است در دست سیاستگذار. بسته به نیت، مهارت و شفافیت استفاده‌کننده می‌تواند

گمراه‌کننده باشند و تصمیم‌های نادرستی به دنبال داشته باشد. چالش دوم، مقاومت فرهنگی و سازمانی است. مدیران و سیاستگذاران که سال‌ها به پای تجربه شخصی و قضاوت‌اساسی تصمیم‌گرفته‌اند، ممکن است در برابر استفاده از ابزارهای ماشینی مقاومت کنند یا این تکنولوژی را به عنوان تهدیدی برای جایگاه و اختیارات خود ببینند. بنابراین آموزش، فرهنگ‌سازی و جلب اعتماد آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. مسئله سوم، ملاحظات امنیتی و حفظ حریم خصوصی است. داده‌های اقتصادی و سیاسی بسیار حساس هستند و حفظ محرمانه بودن آنها و جلوگیری از نفوذهای احتمالی، نیازمند سرمایه‌گذاری کلان در امنیت سایبری است. هرگونه ضعف در این زمینه می‌تواند علاوه بر آسیب به پروژه، تبعات امنیتی و سیاسی گسترده‌ای داشته باشد.

همچنین زیرساخت‌های فناوری کشور نیازمند ارتقا هستند. سرورها، شبکه‌های فضای ذخیره‌سازی و پهناوی باند باید به سطحی برسند که بتوانند حجم انبوه داده‌ها را به سرعت پردازش کنند و خدمات هوش مصنوعی را بدون تأخیر ارائه دهند. اگر این پروژه به درستی پیش برود، شاهد تحولی شگرف در فرآیندهای تصمیم‌گیری کشور خواهیم بود. تصمیم‌هایی که بر اساس تحلیل‌های دقیق و داده‌های لحظه‌ای اتخاذ می‌شوند، نه تنها سرعت تصمیم‌سازی باشد. راه‌اندازی و بهره‌برداری از سامانه هوش مصنوعی در سطوح بالای مدیریت کشور با چالش‌ها و موانعی جدی روبه‌روست. اولین و مهم‌ترین مسئله، کیفیت و یکپارچگی داده‌هاست. داده‌هایی که از نهادهای مختلف جمع‌آوری می‌شوند، اغلب به دلیل ساختارهای متفاوت، ناقص یا غیرقابل مقایسه هستند و لازم است ابتدا پاک‌سازی و استانداردسازی شوند. بدون این مرحله، خروجی‌های هوش مصنوعی می‌تواند